

ارائه مدل نوین اصل همکاری اجتماعی مبتنی بر نظریه بازی‌ها در زبان‌شناسی اقتصادی

محسن قاسمی^۱، رویا صدیق ضیابری^{۲*}، رضا خیرابادی^۳

۱- گروه زبان‌شناسی واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

۲- گروه زبان‌شناسی واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

۳- عضو هیأت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

چکیده

در این مقاله با استفاده از نظریه بازی‌ها (بازی علامت‌دهی به‌طور خاص) و اصول مشارکت گرایس که مبتنی بر منظور و معناست، سعی شده است با کمک روش تحلیل محتوای کرپیندورف (۲۰۰۴)، به تجزیه و تحلیل چند مکالمه استخراج شده از فیلم‌های ژانر درام اجتماعی پرداخته شود تا نشان دهیم استفاده از نظریه بازی‌ها در کاربردشناسی می‌تواند منجر به پدید آمدن ساختار جدیدی از اصل همکاری گرایس شود. بدین منظور از میان فیلم‌های تولید شده در سال ۹۶ در ژانر درام اجتماعی چندین مکالمه که نقض‌کننده هریک از اصول چهارگانه گرایس بودند انتخاب و پس از تحلیل محتوا نقش نظریه بازی‌ها در آنها نیز اعمال شد. نتایج تحلیل محتوا و اعمال نظریه بازی‌ها نشان داد در مواردی که از نظر گرایس عدم هریک از قواعد باعث عدم برقراری ارتباط می‌شود، نظریه اجتماعی بازی‌ها این خلاء و نقیضه را پوشش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: اصل مشارکت، تخطی از قواعد، نظریه اجتماعی بازی‌ها، زبان‌شناسی اقتصادی، کاربردشناسی.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از اهداف زبان‌شناسی بررسی و طبقه‌بندی الگوهای حاکم بر زبان است. این الگوهای زبانی دائماً در حال رشد و پویایی هستند و ماهیت زبان نیازمند تغییر این الگوها می‌باشد؛ لذا رسالت یک زبان‌شناس بررسی، کندوکاو و بازشکاف پدیده‌ها و الگوهای زبان‌شناختی همچون الگوی واژه، هجا، گروه نحوی و معنا و تصحیح الگوهای زبانی از این دست است. به‌طور کلی، هر زمان که باید از میان چندین احتمال، تصمیمی را اتخاذ کنیم که به انتخاب اقدامات توسط دیگران و انتخاب‌های ما بر روی نتایج نهایی بستگی دارد می‌توانیم بگوییم که ما در کنار سایر افراد بازی می‌کنیم. مثال‌های آشکار آن بازی‌های کارت، شطرنج یا فوتبال است. این که آیا حرکتی در شطرنج موجب پیروزی می‌شود یا خیر، معمولاً به حرکت بعدی حریف بستگی دارد. این که آیا سخن موفقیت‌آمیز است یا نه، بستگی به این دارد که چگونه توسط مخاطب آن و هدف کلی مکالمه فعلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مبنای کاربردی از نظریه اجتماعی بازی در کاربردشناسی است. نظریه اجتماعی بازی یک جنبه تجویزی و یک جنبه توصیفی دارد. در جنبه تجویزی به ما می‌گوید که چگونه باید در یک بازی رفتار کنیم تا نتایج بهینه تولید کنیم و در جنبه توصیفی آن را به‌عنوان نظریه‌ای توصیف می‌کند که عوامل چگونه در یک بازی رفتار می‌کنند. در این مقاله، تفسیر دوم نظریه اجتماعی بازی مورد توجه است. نویسندگان این مقاله، نظریه اجتماعی بازی را به‌عنوان چارچوبی برای توصیف استفاده از زبان، مورد بررسی قرار می‌دهند.

نظریه بازی‌ها را که یکی از نظریه‌های مرسوم در حوزه اقتصاد است اولین بار برل^۱ پایه‌گذاری کرد و بعدها این نظریه راه خود را در حوزه‌های دیگر علمی نیز باز کرد و هم‌اکنون شاهد کاربرد آن در امور نظامی، زیست‌شناسی، رایانه، علوم رفتاری و انسانی و بسیاری از رشته‌های دیگر علمی هستیم. به‌واسطه همین کارایی گسترده، زبان‌شناسان برای

استفاده از نظریه بازی‌ها پیش قدم شدند و اولین بار مارشاک^۱ در سال ۱۹۶۷ میان زبان و نظریه بازی‌ها ارتباطی برقرار کرد. بعدها پریخ^۲ در سال ۱۹۹۱ رساله خود را در خصوص کاربرد اصل همکاری گرایس برای درک معنا و محتوای جملات بیان‌شده، با استفاده از نظریه بازی‌ها نگاشت و دست به ارائه مدلی غیررسمی زد. از آن زمان به بعد نظریه بازی‌ها مورد توجه محققان زبان‌شناسی قرار گرفت و در کاربردشناسی و تحلیل انتقادی گفتمان و آموزش زبان دوم نیز راه پیدا کرد. افراد درگیر در یک گفت‌وگو باید هنگام مکالمه اصول همکاری یا تعاون گرایس را رعایت کنند و متقابلاً پذیرشگر یکدیگر باشند (وارن^۳، ۲۰۰۶).

به دلیل ماهیت مکالمه و گفت‌وگو و همچنین از آنجا که هر مکالمه و گفت‌وگو حداقل دارای یک عامل^۴ (فرستنده) و یک کنشگر^۵ (گیرنده) است، می‌توان چنین فرض کرد که هر مکالمه به مانند یک بازی است. از این رو طرفین درگیر در مکالمه و گفت‌وگو نقش بازیگران آن را بر عهده دارند و از آنجا که ماهیت بازی بردن و باختن است، بازیگران می‌کوشند تا با استفاده از اصول و اسلوب‌های مد نظرشان از این بازی (مکالمه و گفت‌وگو) برنده خارج شوند (وارن، ۲۰۰۶؛ ثورنبری و اسلاید، ۲۰۰۶؛ کانکلین، ۱۹۱۲؛ مارتل^۶، ۲۰۱۱).

انگیزه اصلی از نگارش مقاله حاضر استفاده از نظریه بازی‌ها برای ارائه مدل نوینی از اصل همیاری گرایس است که سال‌های متمادی از دید محققان و زبان‌شناسان، یک اصل جهان‌شمول و همگانی بود و تخطی از آن منجر به درک نکردن مکالمه و گاهی پایان گفت‌وگو میان طرفین می‌شد. با این وجود، در این طرح تحقیقاتی که بر مبنای اصل همکاری گرایس است، اولاً سعی بر آن است تا نشان دهیم که رعایت نکردن این اصول نه تنها باعث عدم درک مکالمه نمی‌شود، بلکه در پاره‌ای از نمونه‌ها باعث به وجود آمدن موقعیت‌های دستوری خاصی در برخی زبان‌ها می‌شود. ثانیاً در برخی موارد که چنین تخطی‌هایی باعث عدم درک مکالمه می‌گردد، با وارد کردن نظریه‌ای اقتصادی و اقسام آن به مکالمه و گفت‌وگو می‌توان

1 Marschak
2 Parikh
3 Warren
4 Sender
5 Receiver
6 Martell

بُعد جدیدی به راهبردهای چهارگانه اضافه نمود و اصل همکاری گرایس را به صورتی بازنگری و تدوین کرد که اگر نگوییم تمامی نقص‌های آن، بیشترشان را برطرف می‌کند و منجر به یک نظریه جدید و جهان‌شمول می‌شود. اهمیت تحقیق حاضر از بُعد نظری^۱ قابل بررسی است؛ چراکه می‌کوشد برخلاف تمام تحقیقات تجربی و آزمایشی و بررسی تأثیر متغیرهای زبانی و اقتصادی بر یکدیگر، بین اقتصاد از یک سو (استفاده از نظریه بازی‌ها^۲) و زبان از سوی دیگر (اصل همکاری گرایس)، با دیدی نوین رابطه‌ای نظری برقرار کند. به عبارت دیگر هدف این رساله تعدیل نظریه‌ای زبانی با کمک نظریه‌ای کاملاً اقتصادی است که در آن اصل همکاری گرایس با استفاده از نظریه بازی‌ها که پایه‌گذار آن اقتصاددان بزرگ مجارستانی جان فون نویمان^۳ است بازنگری خواهد شد و منجر به ارائه مدل جدیدی از اصل همکاری گرایس می‌گردد. این دسته‌بندی جدید از اصل همکاری گرایس شامل پنج راهبرد است که می‌تواند پایه‌گذار بسیاری از تحقیقات بعدی در حوزه زبان‌شناسی و رفتار زبان از دیدگاه اقتصادی باشد؛ چراکه چنین نگرشی در نوع خود برای اولین بار در زمینه رفتار و علوم اجتماعی و به ویژه زبان‌شناسی کاربردی انجام می‌گیرد که به مباحث نوینی در حوزه علوم اجتماعی و علوم اقتصادی منجر می‌شود. از این رو مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

- چگونه می‌توان بر اساس نظریه بازی‌ها تخطی همکاری گرایس را پوشش داد؟
- چگونه می‌توان اصل همکاری گرایس را بر اساس نظریه بازی‌ها تعدیل کرد؟

چهارچوب نظری تحقیق - اصل همیاری گرایس

در علوم اجتماعی به طور کلی و زبان‌شناسی به طور خاص، اصل همکاری نحوه تعامل افراد با یکدیگر را توصیف می‌کند. گرایس^۴ (۱۹۷۵)، اصل همکاری را با چهار قاعده کلی آن،

1 Theoretical

2 Game Theory

3 Janos von Neumann

4 Paul Grice

به‌عنوان رهنمود ارتباط ایده‌آل در معنی‌شناسی و ارتباط مطرح کرده است. اصول گرایس دارای چهار اصل کیفیت، کمیت، ارتباط و شیوه هستند که رعایت آنها در هر مکالمه‌ای باعث ایجاد ارتباط کامل و مشترک می‌شود (شکل ۱). گرایس (۱۹۸۶) ارتباط سالم، کامل و قابل فهم را مبتنی بر راهبردهای چهارگانه زیر می‌داند:

راهبرد کمیت^۱:

الف: به‌اندازه نیاز اطلاعات دهید.

ب: بیشتر و کمتر از حد نیاز اطلاعات ندهید.

راهبرد کیفیت^۲:

الف: مشارکت بر مبنای واقعیت و راستی صورت گیرد (دروغ نگوید).

ب: آنچه را که معتقدید غلط و نادرست است نگویند.

پ: آنچه را که برای آن شواهد و مدارک کافی ندارید بیان نکنید (مستند صحبت کنید).

راهبرد ربط^۳:

مرتبط با موضوع صحبت کنید (بی‌ربط سخن نگویند).

راهبرد شیوه^۴:

الف: واضح و شفاف سخن بگویند.

ب: سخنان قابل درک باشد (گنگ و مبهم سخن نگویند).

پ: سخنان مختصر و موجز باشد (از درازگویی و درازنویسی پرهیز شود).

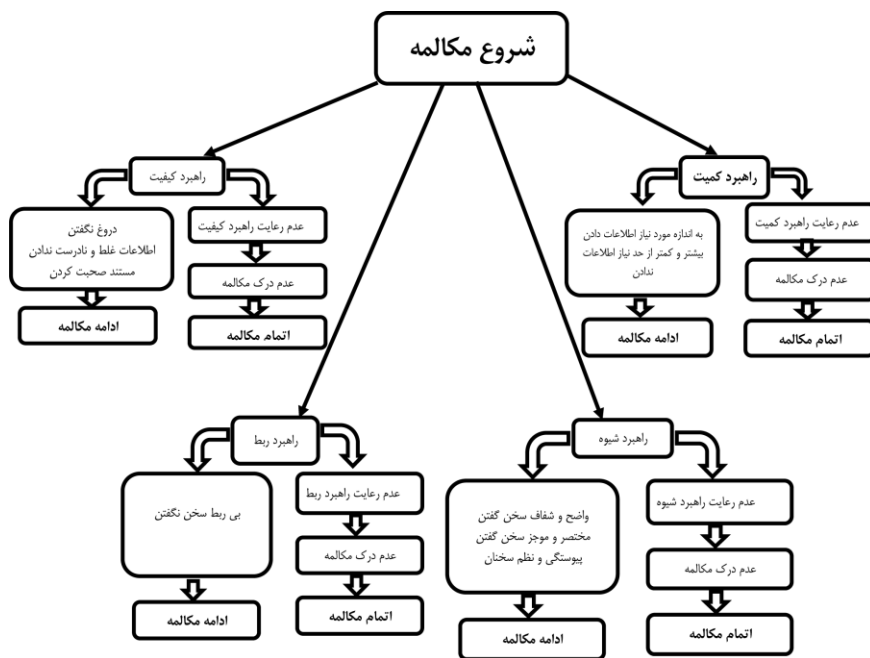
ت: عبارات پیوستگی و نظم داشته باشد.

1 Maxim of Quantity

2 Maxim of Quality

3 Maxim of Relevance

4 Maxim of Manner



شکل ۱- جمع بندی نظریه گرایس توسط پژوهشگر

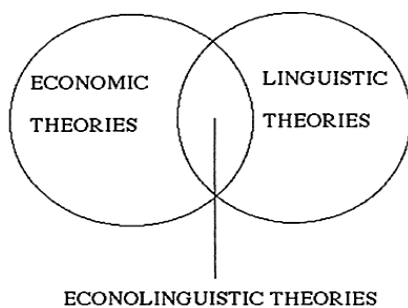
البته گرایس هم به این واقعیت آگاه و معترف است که تمامی مکالمه‌ها، همواره از اصل همیاری و اصول چهارگانه آن تبعیت نمی‌کنند و نقض این اصل و اصول مشتمل بر آن به تلویح می‌انجامد. منظور از تلویح مکالمه‌ای، نقض یکی از اصول گرایس به شیوه‌های مختلف می‌باشد که غالباً اصطلاح «نقض اصول گرایس» برای اطلاق به آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. وی در آثار خود انواع مختلفی از راهبردهای زیبایی برای تخطی و نقض اصول را بر می‌شمارد. از جمله: طنز، استعاره، تحقیر، مبالغه، ابهام عامدانه و تیرگی معنایی عامدانه (مانند هنگامی که شخصی می‌کوشد اطلاعاتی را از دوستانش مخفی نگه دارد).

لیندبلوم به نقل از درمی (۲۰۰۹) مجموعه‌ای از نقدها و نظرات ارائه شده درباره اصل همیاری گرایس را جمع‌آوری کرده و به برخی از آنها پاسخ داده است. اولین نقدی که از نظر لیندبلوم بر نظریه گرایس از سوی طیف وسیعی از صاحب‌نظران و منتقدان وارد شده، استفاده از اصطلاح «همیاری» است. به‌زعم منتقدان، نظریه گرایس به فرضیه‌ای که روح حاکم بر

ارتباطات بشری را بسیار دوستانه و لطیف تصویر می‌کند مبدل شده است. بنابر نظر لیندبلوم این گروه از منتقدان، گرایس و نظریه‌اش را بیش از حد واقع، نیک‌اندیشانه ارزیابی می‌کنند. از نظر آنان از جمله تانن (۱۹۸۶)، فرضیه گرایس نمی‌تواند در مکالمه‌ها و تعاملات ارتباطی واقعی به کار گرفته شود. او بر این عقیده است که: «ما نمی‌خواهیم به‌سادگی هر آنچه را که در نظر داریم بروز دهیم.» (تانن، ۱۹۸۶: ۳۴).

زبان‌شناسی اقتصادی

به‌واسطه همین ماهیت پویا و تغییرپذیر زبان محققان و نظریه‌پردازان زبانی از دیرباز علاقه وافری به پیوند رشته زبان‌شناسی با سایر زمینه‌های علمی داشته‌اند و از آنجا که زبان یک پدیده پیچیده انسانی و اجتماعی است، برای مطالعه جامع و دقیق آن و همچنین برای برطرف کردن نقیضه‌های موجود در الگوهای زبان‌شناسی، بهره‌گیری از علوم مرتبط دیگر الزامی به نظر می‌رسد که این خود دلیلی بر نوآوری رساله حاضر است. یکی از این حوزه‌ها، علم اقتصاد است که در تلفیق با زبان‌شناسی مباحث گسترده‌ای را به‌وجود آورده است. چنانکه باو^۱ (۲۰۰۶) در مقاله «ابعاد تئوری زبان‌شناسی اقتصادی» تلفیق نظریه‌های اقتصادی و زبانی را موجب پیدایش زیرشاخه زبان‌شناسی اقتصادی می‌داند. (شکل ۲)



شکل ۲- هم‌پوشانی تئوری‌های زبانی و اقتصادی و پیدایش نظریه‌های زبان‌شناسی اقتصادی (باو، ۲۰۰۶)

زبان‌شناسی اقتصادی تاکنون به‌عنوان زیرشاخه‌ی زبان‌شناسی مطرح نبوده است، لذا تعاریف متعددی برای آن بیان شده است که در ابتدا تعریف آفاگل‌زاده را بدین شرح برای آن ارائه می‌کنیم:

«مهارت‌های زبانی به‌عنوان سرمایه‌ی بشری تلقی می‌شوند و زبان کالایی عمومی است. با توجه به نقش زبان در امر ارتباط، تفکر و تعامل بین انسان‌ها، علم اقتصاد و اقتصاددانان می‌توانند در تجزیه و تحلیل اقتصادی از این نقش بهره‌برداری کنند. رفتارهای زبانی تابع اصول و متغیرهایی هستند که برخی از آنها با اصول مطرح در مدل‌های اقتصادی مطابقت و هم‌پوشانی دارند. ارائه‌ی نظریه‌ها و مدل‌هایی در قالب متن و گفت‌وگو، اقتصاد زبان، بهینه‌سازی زبان و تعبیر و تفسیر جزء جدانشدنی مدل‌های اقتصادی است و همین امر سبب شده است که اقتصاددانان علاوه بر فلسفه‌ی تحلیلی به معنی‌شناسی و کاربردشناسی زبان (خصوصاً اصول تعاون و همکاری و راهبردی مکالمه‌گرایس در زبان‌شناسی) علاقه‌مند شوند. همچنین ساختار استعاره‌های اقتصاد که همه از نوع دانش زبانی هستند، می‌توانند در خدمت علم اقتصاد و اقتصاددانان قرار گیرند تا به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر میزان سود و بازدهی را به حداکثر و میزان هزینه‌ها را به حداقل برسانند. کاهش هزینه‌های معاملات و مصرفی‌سازی زبان نیز در تعریف زبان‌شناسی اقتصادی می‌گنجد.» (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۴)

از یک‌سو، زبان‌شناسان عقیده دارند که همه‌ی زبان‌ها دارای ویژگی‌های خاصی هستند که بدین وسیله می‌توانند در امر تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی وارد شوند. به‌عبارت دیگر، رفتار زبان‌ها همان‌طور که پیش‌تر گفته شد دارای اصولی است که برخی از آنها با اصول مطرح در مدل‌های اقتصادی مطابقت دارند. از سوی دیگر، جامعه‌شناسان زبان نیز از اهمیت متغیرهای اقتصادی در امر تجزیه و تحلیل توزیع زبان‌ها و تنوع آنها در جوامع بشری سخن گفته‌اند (همان). بنابراین می‌توان گفت میان علم اقتصاد و علم زبان نقاط مشترک و هم‌پوشانی زیادی وجود دارد. به‌همین منظور زبان‌شناسان و اقتصاددانان هر دو به دلایل مختلف تلاش می‌کنند تا نظم زیرساختی حاکم بر زبان و رفتارهای زبانی را به‌منظور درک هرچه بیشتر و بهتر ماهیت زبان‌ها و چگونگی و چرایی شیوه‌ی عملکرد آنها، دریابند (کولماس، ۲۰۰۹، به‌نقل از آفاگل‌زاده، ۱۳۹۴).

به دلیل تمایل اقتصاددانان به سمت درک رفتارهای بشری و ماهیت فراگیر زبان در همه امور بشر، علاقه‌های مشترکی بین اقتصاددانان و زبان‌شناسان به وجود آمده است (کولماس^۱، ۲۰۰۹). کولماس برای ارائه دلایل ارتباط میان زبان و اقتصاد مباحثی را مطرح می‌کند که با توجه به موضوع رساله حاضر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۲ - اقتصاد و زبان

اقتصاددانان به دلایل مختلفی به مطالعه زبان علاقه دارند. در یک نگاه کلی می‌توان این موارد را به دو گروه اصلی تقسیم کرد: زبان علم اقتصاد^۳ و زبان‌شناسی اقتصادی. در یک سوی این محور اقتصاددانان قرار دارند که به طرح تئوری‌ها و مدل‌هایی در قالب متن و گفتمان می‌پردازند و در سویی دیگر فعالان اقتصادی قرار دارند که از زبان به دلایل مختلف بهره می‌برند که مهم‌ترین آنها به‌حداکثر رساندن میزان سود و بازدهی و به‌حداقل رساندن میزان هزینه‌ها است (همان).

الف) زبان علم اقتصاد

اقتصاددانان نیز همانند سایر مشاغل و حرفه‌ها، به زبان حرفه خود توجه دارند. دلیل آن نیز به خوبی شناخته شده است؛ زیرا تنها از طریق زبان است که آنها می‌توانند اطلاعات و دانش خود را در اختیار دیگران قرار دهند. از آنجایی که اقتصاددانان به گونه‌ای تربیت شده‌اند که به شدت به موضوع بهره‌وری توجه دارند، به نظر می‌رسد بیش از دیگر دانشمندان به زبان خود توجه می‌کنند. تعبیر و تفسیر، جزء جدانشدنی مدل‌های اقتصادی محسوب می‌شود. به همین دلیل همیشه این خطر وجود دارد که به واسطه تعبیر اشتباه، یک مدل و تئوری اقتصادی تحریف شود (همان) یا کلاً کنار گذاشته شود (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴). از سال ۱۹۸۰ به بعد، بیشتر مباحث درباره متدولوژی علم اقتصاد، حول محور سبک نوشتاری اقتصادی می‌چرخد.

1 Coulumas

2 Language and Economy

3 Economics Language

ب) زبان‌شناسی اقتصادی^۱

صحبت از اقتصاد در زبان یا بالعکس، به معنای مباحث مالی و کاهش و افزایش هزینه‌ها نیست؛ چراکه در عصر کنونی و با توجه به علاقه محققان به مطالعات میان‌رشته‌ای، استفاده از نظریه‌های اقتصادی در قالب نظریه‌های زبانی و استفاده از نظریه‌های زبانی برای درک بهتر مباحث اقتصادی منجر به پیدایش زیرشاخه زبان‌شناسی اقتصادی شده است. شواهد امر نشان می‌دهد که اقتصاددانان علاوه بر فلسفه تحلیلی به معنی‌شناسی و کاربردشناسی نیز علاقمندند، زیرا این موضوع‌ها می‌تواند نقش اساسی در تئوری‌های اقتصادی ایفا کند (کولماس، ۲۰۰۹). راینستین (۲۰۰۰) معتقد است که کاربردشناسی، فلسفه زبان و تحلیل گفتمان در فضای اقتصادی موجود، ابزار مناسبی برای تحلیل‌های اقتصادی محسوب می‌شوند. برخی از اقتصاددانان، قدرت زبان را به‌عنوان نیروی اصلی تعیین‌کننده موفقیت یا شکست تئوری‌های اقتصادی مطرح می‌کنند (کولماس، ۲۰۰۹، به نقل از آفاگل‌زاده، ۱۳۹۴). در همین راستا، فرارو و همکارانش (۲۰۰۵) در مباحث مرتبط با تأثیر زبان بر مقوله‌های اجتماعی که افراد در تعبیر و تفسیر واقعیات جهان خارج به کار می‌برند، اظهار می‌دارند که تئوری‌های اقتصادی زمانی می‌تواند در سطح جهانی برجسته و مطرح باشند که زبان به کار رفته در آنها زبانی فراگیر باشد. در این صورت نظرات مطرح در این تئوری‌ها راحت‌تر پذیرفته می‌شوند و بدون در نظر گرفتن ارزش کاربردی آنها، به‌عنوان یک هنجار ارزش‌گذاری می‌شوند (کولماس، ۲۰۰۹).

مارشاک (۱۹۶۵) بیان می‌کند که به‌حداقل رساندن هزینه‌های ارتباط، نیرویی است در راه تحول و پیشرفت زبان. پیش‌فرض اصلی این تئوری این است که رفتار زبانی شامل مجموعه‌ای از قراردادهاست که بین همه اعضای یک جامعه به اشتراک گذاشته می‌شود و اگر قراردادها و اصول زبان نتوانند نیاز جامعه خود را برآورده سازند، در این صورت گروهی از اعضا از قراردادهای موجود تخطی می‌کنند تا بتوانند قابلیت آن را افزایش دهند.

به‌همین ترتیب، نظریه پردازان زبانی و نظریه پردازان اقتصادی (گرین^۱، ۲۰۰۸، ۲۰۰۱، ۱۹۹۷، ۲۰۰۳، ۲۰۰۶؛ لیپمن^۲، ۲۰۰۲؛ گراهام^۳، ۱۹۹۹؛ و والترز^۴، ۱۹۹۶) در تلاش بوده‌اند که زمینه‌ساز تلفیق دو رشته علمی اقتصاد و زبان باشند که از خلال آن به زیررشته زبان‌شناسی اقتصادی رسیده‌اند. در این حوزه از زبان‌شناسی، زبان‌شناسان با استفاده از متغیرهای زبانی و اقتصادی در پی بررسی تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر بوده‌اند. نظریه پردازان اقتصادی نیز گاهی از متغیرهای زبانی برای تأثیرپذیری متغیرهای اقتصادی استفاده کرده‌اند (همان).

با توجه به ادبیات تحقیق در زمینه زبان‌شناسی اقتصادی، آنچه تاکنون مطرح بوده است بیشتر مقالات آزمایشی^۵ بوده‌اند. برای نمونه، کار تحقیقاتی گرین (۲۰۰۸) به بررسی متغیرهای مختلف اقتصادی از جمله سطح درآمد و تغییر بازار عرضه و تقاضا و تأثیر متغیرهای زبانی مانند سطح سواد بر آنها می‌پردازد. درباره رابطه زبان و اقتصاد سیاسی که از آن به‌عنوان علم قوانین تولید و توزیع نعمت‌های مادی در مراحل مختلف تکامل جامعه انسانی یاد می‌شود نیز کارهای بی‌شماری انجام گرفته است.

از جمله آنها می‌توان به گراهام (۱۹۹۹)، والترز (۱۹۹۶)، رویستر^۶ (۱۹۸۶)، اروین^۷ (۱۹۸۹)، هلر^۸ (۲۰۰۳)، فردریش^۹ (۱۹۸۹)، نیکولاس^{۱۰} (۲۰۱۶)، گوپتا و تورس^{۱۱} (۲۰۱۶) دال‌ریمپل و کاپلان^{۱۲} (۲۰۱۶) اشاره کرد که برای مثال رفتار انتخاباتی طبقات مختلف را برحسب منافع اقتصادی آن طبقات تحلیل نمودند یا تأثیر اقتصادی یک تصمیم‌گیری سیاسی را از منظر اجتماعی آن مطالعه کردند. برخی دیگر از محققان به بررسی جنبه اقتصادی بودن صرف‌ونحو دستور زبان پرداخته‌اند که از جمله جدیدترین آنها می‌توان به ونسل^{۱۳} (۲۰۱۶) اشاره کرد که بیان می‌کند

1Francois Grin

2Barton Lipman

3Graham

4 Walters

5 empirical

6 Royster

7 Irvine

8Heller

9 Friedrich

10Nicholes

11 Gupta & Torres

12 Dalrymple & Kaplan

13 Ventsel

هرچه جملات کوتاه‌تر باشند از نظر دستوری یادگیری آن نیز برای فراگیر زبان آسان‌تر خواهد شد.

نظریه بازی‌ها^۱

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد به دلیل ماهیت مکالمه و گفت‌وگو و از آنجا که هر مکالمه و گفت‌وگو حداقل دارای یک عامل^۲ (فرستنده) و یک کنشگر^۳ (گیرنده) است؛ می‌توان چنین فرض کرد که هر مکالمه به مثابه یک بازی است. از این‌رو طرفین درگیر در مکالمه و گفت‌وگو نقش بازیگران آن را بر عهده دارند و از آنجا که ماهیت بازی بردن و باختن است، بازیگران می‌کوشند تا با استفاده از اصول و اسلوب‌های مدّ نظرشان از این بازی برنده خارج شوند (وارن، ۲۰۰۶؛ ثورنبری و اسلاید، ۲۰۰۶؛ کانکلین، ۱۹۱۲؛ مارتل، ۲۰۱۱). بنابراین با فرض در نظر گرفتن مکالمه به عنوان یک بازی که حداقل دارای دو بازیکن (عامل و کنشگر) است، اصل گرایس نمی‌تواند تمامی جوانب مکالمات را پوشش دهد و ادعای وی درباره این‌که در صورت تخطی از همکاری و مشارکت، ارتباط دچار خدشه شده و قطع می‌گردد و فهم آن نیاز به توضیح و تفسیر دارد نیز در بسیاری از مکالمات نقض می‌شود. بنابراین برای رفع چنین معضلی و با فرض بازی‌بودن مکالمات، استفاده از نظریه بازی‌ها و به ویژه بازی علامت‌دهی که در بخش انواع بازی‌ها به آن می‌پردازیم می‌تواند راهگشای این نواقص باشد.

در سال‌های اخیر نظریه اجتماعی بازی در علوم مختلفی همچون علوم سیاسی، رایانه، زیست‌شناسی و علوم اجتماعی رخنه کرده است و بسیاری از نظریه‌پردازان این حوزه براساس نظریه بازی‌ها توانستند برخی از مفاهیم گنگ و چالش‌برانگیز را برای علاقه‌مندان این حوزه تشریح و تفسیر نمایند (عبدلی، ۱۳۹۳).

نظریه اجتماعی بازی در مطالعه طیف گسترده‌ای از موضوعات کاربرد دارد. از جمله نحوه تعامل تصمیم‌گیرندگان در محیط رقابتی به شکلی که نتایج تصمیم هر عامل، مؤثر بر نتایج کسب شده سایر عوامل است. در واقع ساختار اصلی نظریه بازی‌ها در بیشتر تحلیل‌ها شامل

1 Game Theory

2 Sender

3 Receiver

ماتریسی چند بُعدی است که در هر بعد مجموعه‌ای از گزینه‌ها قرار گرفته‌اند که در آرایه‌های این ماتریس نتایج کسب شده برای عوامل در ازاء ترکیب‌های مختلف از گزینه‌های مورد انتظار است (عبدلی، ۱۳۹۵). از اصلی‌ترین شرایط به کارگیری این نظریه در تحلیل محیط‌های رقابتی، وفاداری عوامل متعامل در رعایت منطق بازی است. در صورتی که این پیش شرط به هر دلیل رعایت نگردد، بایستی در انتظار نوزایی ساختار جدید دیگری از منطق تحلیلی بازیگران متعامل بود یا به دلیل پیش‌بینی نشدن نتایج بازی یا گزینه‌های مورد انتظار سیستم تصمیم‌گیرنده به سراغ سایر روش‌های تحلیل در چنین محیط‌های تصمیم‌گیری رفت. هر چه توان پیش‌بینی گزینه‌ها و نتایج حاصل از انتخاب آنها بیشتر باشد، عدم قطعیت در این تکنیک کاهش می‌یابد. کاربرد نظریه بازی‌ها در شاخه‌های مختلف علوم مرتبط با اجتماع از جمله سیاست، جامعه‌شناسی و حتی روان‌شناسی در حال گسترش است. نظریه بازی‌ها با تعاملات راهبردی سروکار دارد. یعنی موقعیت‌هایی که (در اینجا مکالمات) در آن دو یا چند بازیکن، مجبور به انتخاب راهکار و اتخاذ تصمیمی برای موفق شدن در این تعامل هستند و این انتخاب راهکار و اتخاذ تصمیم بر مبنای دانش پیش‌زمینه‌ای افراد درگیر در بازی است. در نگاه اول می‌توان چنین برداشت کرد که یک گفت‌وگو مانند ردوبدل شدن چندین جمله ساده یا پیچیده دستوری است، در حالی که طرفین درگیر در یک مکالمه برای درک بهتر یکدیگر مراحل زبان‌شناختی خاصی را دنبال می‌کنند که به آن درک معنای ضمنی می‌گوییم.

روش تحقیق

در این رساله، محقق پس از تعریف مسئله و بیان فرضیات از میان فیلم‌ها و آثار مکتوب و همچنین پیامک‌ها و مکالمات اینترنتی به منظور بررسی فرضیات تحقیق آنها را به صورت تصادفی انتخاب کرده و براساس چارچوب نظری تحقیق هر یک از مکالمات را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در پایان پس از نتیجه‌گیری از تحلیل محتوا مدل جدیدی از اصل همکاری گرایس را ارائه کرده است که جهان‌شمولی است و در نوع خود در تمامی زیرشاخه‌های زبان‌شناسی که قبلاً به آنها اشاره شد می‌تواند تغییرات ماهوی و عملی ایجاد نماید.

به منظور پاسخ‌گویی به سؤالات و فرضیات تحقیق، پژوهش حاضر به بررسی نقش نظریه بازی‌ها در راهبرد مکالمه گرایس در برخی فیلم‌های ایرانی و همچنین به رابطه میان هریک از این نقش‌ها با متغیرهای جنسیت، فاصله اجتماعی، بافت و سن می‌پردازد؛ چراکه براساس نظریه تحلیل محتوای کریپندورف^۱ (۲۰۰۴) هریک از این متغیرها در نوع مکالمه، انتخاب واژه‌ها و نحوه تعامل سخنوران با یکدیگر نقش خواهند داشت. در پژوهش کنونی، به علت دسترسی نداشتن به پیکره نوشتاری گفتار محاوره‌ای در زبان فارسی، جامعه آماری این پژوهش را پیکره‌ای از فیلم‌های ژانر اجتماعی بازه سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۰ انتخاب نمودیم. انتخاب فیلم از نوع اجتماعی به عنوان پیکره پژوهش به دو علت است:

الف: به دلیل اینکه داده‌ها یکسان‌سازی شود.

ب: به دلیل اینکه فیلم‌ها بازتابی از زندگی روزمره مردم و محاورات آنها هستند.

به این منظور، این پژوهش مانند سایر پژوهش‌ها، روندی را جهت گردآوری و تحلیل داده‌های پژوهش در نظر گرفته است. در این بخش داده‌های جمع‌آوری شده از فیلم‌های ایرانی ارائه شده است. به این صورت که ابتدا بافت موقعیت هر مکالمه ارائه شده است که شامل نوع رابطه، چگونگی رابطه، رده سنی مخاطب، مکان و زمان است. سپس مکالمه میان گوینده و مخاطب ارائه شده که در آن راهبرد نقض شده گرایس مشخص شده است. در نهایت برای هر مکالمه یک تحلیل ارائه شده و نقش نظریه بازی‌ها در این مکالمات تعیین شده است.

تحلیل داده‌ها

عدم رعایت راهکار شیوه بیان

بافت موقعیت:

رده سنی: جوان

تحصیلات: کارشناسی/کارشناسی ارشد

نوع رابطه: خویشاوندی

چگونگی رابطه: صمیمی

مکان و زمان: منزل، بعدازظهر (این گفت‌وگو در غیاب علی صورت می‌گیرد).

مکالمه ۱

الف: علی چرا این قدر ساکتی؟

ب: همیشه همین جوریه.

الف: واقعاً؟

ب: آره، کلاً کم حرفه.

الف: دیشب انگار توی جمع نبود.

ب: علی هم هستش هم نیستش.

الف: در واقع نیستش.

تحلیل کیفی

در این مکالمه جمله آخر فرد «ب» دارای تناقض است. در واقع، فرد «ب» از راهکار شیوه بیان تخطی کرده است. اگر جمله فوق را طبق معنای معناشناختی‌اش بررسی کنیم، به نتیجه‌ای غیرمعقول و حتی غیرممکن می‌رسیم. چگونه می‌شود هم فردی در یک جمع حضور داشته باشد و هم غایب باشد؟ در واقع معنای کاربردشناختی این جمله این است که علی گرچه در جمع حضور دارد، بسیار ساکت و آرام است یا می‌توان چنین استنباط کرد که بود و نبود علی در جمع تفاوت چندانی نمی‌کند. سخن‌گویان زبان با استفاده از شمّ زبانی خود می‌توانند معنای چنین عباراتی را استنباط کنند. اینجاست که می‌توان برای درک بهتر چنین عباراتی از نظریه بازی‌ها و به خصوص بازی علامت‌دهی استفاده کرد. اگر شخص مورد نظر دانش ابتدایی درباره نظریه بازی‌ها داشته باشد، می‌تواند به استنباط و برداشت درستی از عبارت بیان شده برسد و در چنین موردی مکالمه نه تنها نقض نمی‌شود و خاتمه نمی‌یابد بلکه با درک درست از نوع بازی (مکالمه) می‌توان آن را طوری پیش برد که شخص «الف» به اطلاعاتی که نیاز دارد، دست پیدا کند. بنابراین می‌شود چنین تحلیل کرد که شخص «ب» تمایل چندانی به دادن اطلاعات کافی ندارد و نمی‌خواهد صراحتاً بیان کند که نظر او درباره علی چیست. او این را بر عهده طرف دیگر مکالمه می‌گذارد و این ندادن اطلاعات کافی می‌تواند به خاطر تطمیع یا

تهدید باشد (تهدید به پایان دادن مکالمه) که بازیکنان در برابر هم اعمال می کنند تا حریفان را وادار به عملی در راستای منافع خود کنند؛ ولی بازیکن تهدیدشونده نباید همه آنها را جدی بگیرد، بلکه باید آنهایی که باورکردنی است جدی بگیرد. یعنی در واقع شخص «الف» اگر مایل به دانستن دقیق معنای جمله بیان شده توسط فرد «ب» است، باید مکالمه را ادامه دهد تا به نتیجه مطلوب دست یابد.

عدم رعایت راهکار ارتباط

بافت موقعیت:

سن: جوان

تحصیلات: لیسانس / فوق لیسانس

نوع رابطه: با یکدیگر رابطه خویشاوندی دارند.

چگونگی رابطه: عادی

مکان و زمان: منزل فرد «الف»، بعدازظهر

مکالمه ۱

الف: چرا با علی میونهت بهم خورد؟ قضیه چیه؟

ب: اصلاً نمی خوام دربارهش حرف بزنم.

الف: آخه برای من خیلی عجیبه، واقعاً می خوام بدونم چرا؟

ب: نتیجه بازی دیشب چی شد؟

الف: تو جواب منو بده، چی کار به بازی داری؟

ب: بی خیال دیگه.

تحلیل کیفی

در این مکالمه ابتدا فرد «ب» راهکار کمیت را نقض می کند؛ زیرا حاضر به ارائه اطلاعات کافی به فرد «الف» نیست و با بیان جمله «اصلاً نمی خوام دربارهش حرف بزنم» که اصلاً حاوی بار اطلاعاتی لازم نیست، به فرد «الف» تلویحاً می گوید که دیگر سؤال نپرسد و اصرار نورد. اما برخلاف گفته فرد «ب»، فرد «الف» همچنان بر سؤال خود پافشاری می کند تا جواب سؤالش

را دریافت کند. فرد «ب» که متوجه می‌شود گفته‌اش اثری بر فرد «الف» ندارد، می‌کوشد تا با نقض عامدانه راهکار ارتباط، توجه وی را از موضوع مورد بحث منحرف کند و موضوع دیگری را برای گفت‌وگو پیش بکشد؛ اما فرد «الف» متوجه قصد و نیت او می‌شود و همچنان بر سؤال خود اصرار می‌ورزد تا بدین وسیله از تغییر موضوع بحث جلوگیری کند. در واقع با فرستادن علامت‌هایی مانند اصرار بر سؤال کردن به شخص «ب» می‌فهماند که موضوع برای او جدی است و حال نوبت به شخص «ب» است که تمایلی به دادن اطلاعات داشته باشد یا خیر.

عدم رعایت راهکار کیفیت

مکالمه ۱

الف: خسته نباشید آقا!

ب: ممنون. بفرمایید.

الف: ببخشید می‌شه اون لباس رو بینم؟

ب: خواهش می‌کنم. بفرمایید.

الف: چه قیمته؟

ب: ۵۰۰۰۰ تومان. البته قابل شما رو نداره جناب.

الف: تخفیف هم داره؟

ب: خیر قربان. مقطوعه.

الف: آقا ما یه دوری می‌زنیم، بعداً مزاحمتون می‌شیم.

تحلیل کیفی

در این مکالمه که در مغازه پوشاک رخ داده است، شخص فروشنده با بیان جمله «خیر قربان. مقطوعه.» این علامت را برای شخص خریدار ارسال می‌کند که قیمت لباس همان چیزی است که قبلاً گفتم و حال شخص خریدار علاوه بر نقض راهکار کیفیت و ارتباط توأمان با هم علامتی را برای خریدار می‌فرستد که من با چنین قیمتی خریدار نیستم و در عین حال با این تفکر که شاید با گفتن جمله «آقا ما یه دوری می‌زنیم، بعداً مزاحمتون می‌شیم.» بتواند فروشنده را متقاعد کند که با دادن تخفیفی او (مشتری) را نگه دارد.

عدم رعایت راهکار کمیت

بافت موقعیت:

رده سن: بزرگسال

تحصیلات: فرد «الف» دارای تحصیلات دانشگاهی است.

نوع رابطه: تجاری

چگونگی ارتباط: صمیمی

مکان و زمان: داخل مغازه، عصر

مکالمه ۱

الف: بینم، نکنه خیال می کنی من نمی تونم اینجا فروش کنم؟

ب: تجارت، تجارته.

تحلیل کیفی

عبارات حشو از قبیل جمله «تجارت، تجارت است» از دیدگاه صرفاً منطقی هیچ ارزش محاوره‌ای ندارند، زیرا به امری کاملاً بدیهی اشاره دارند. هنگامی که این عبارات در محاوره استفاده می‌شوند، چون شنونده بر این باور است که گوینده پایبند به اصول مشارکت است، معنادار تلقی می‌شوند. مثلاً در محاوره بالا شخص «ب» سعی دارد بگوید که تجارت قوانین خاص خود را دارد و قصد ندارد با سپردن مسئولیت فروش به شخص «الف» موقعیت خود را به خطر اندازد و از این رو طرفین درگیر در بازی (مکالمه) می‌توانند به راحتی منظور یکدیگر را درک کنند بدون آنکه اصل کمیت را رعایت کرده باشند. در مجموع می‌توان گفت شخص «ب» با استفاده از استعاره، نوعی بازی را آغاز کرده است که نه تنها منجر به اتمام مکالمه نمی‌شود، بلکه ممکن است همچنان ادامه نیز داشته باشد و در عین حال راهکار کیفیت گرایش هم رعایت نمی‌شود.

بحث و نتیجه گیری

امیدواریم با این مقاله توجه پژوهشگران و دانشجویان زبان‌شناسی و فلسفه زبان که علاقه‌مند به کاربردشناسی هستند جلب کنیم. ما می‌خواهیم خوانندگان بالقوه را در ارتباط

نظریه بازی‌ها برای کاربردشناسی زبانی در جهت درک زبان متقاعد سازیم. همچنین نظریه پردازان بازی در زمینه‌های دیگر را متقاعد کنیم که زبان طبیعی یک حوزه هیجان‌انگیز در خصوص کاربرد نظریه آنها است. اگرچه ریشه‌های کاربردشناسی نظریه اجتماعی بازی به اواخر دهه شصت بازمی‌گردد، هنوز یک حوزه تحقیقاتی نوظهور است. این امر باعث می‌شود که حوزه نظریه بازی‌ها زمینه‌ای متنوع، هیجان‌انگیز و نوآورانه برای محققان باشد. به دلیل اینکه مجموعه‌ای از ایده‌ها، مفاهیم و سؤالات تحقیقاتی وجود ندارد، این موضوع برای محققان در زمینه‌های مختلف بسیار جذاب به نظر می‌رسد. با این مقاله، امید است تصویری از وضعیت فعلی این رشته نوپا فراهم شده باشد.

نتایج به‌دست آمده از تحلیل محتوای این مقاله با نتایج لوئیس (۱۹۶۹) که در آن بازی‌های علامت‌دهی را برای مطالعه قراردادهای زبانی معرفی کرد هم‌راستا است. هدف اصلی او مطابق با طرح پل گرایس بود که در آن مبنای مفهوم «معنی» بر باورها، خواسته‌ها و نیت‌های عاملان یک گفت‌وگو بود. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد بازی‌های علامت‌دهی به وسیله اقتصاددانان به‌طور گسترده مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا نشان دهند که در کدام موارد پیام به‌طور قابل اعتماد، اطلاعات مربوط به جهان را در اختیار مخاطب می‌گذارد؛ هرچند که این تحقیق تا به حال در زبان‌شناسی تأثیری نداشته است. رابرت استالینیک (۲۰۰۹) با نشان دادن تقابل بین تحلیل فلسفی گرایس از معنا و تحلیل نظریه اجتماعی بازی مبادله اطلاعات قابل اعتماد، این شکاف را از بین می‌برد.

پاریک (۲۰۰۹) بازی‌های اطلاعات ناقص را در زبان‌شناسی ارائه می‌دهد و استدلال می‌کند که بازی‌های اطلاعات ناقص بخشی از بازی‌های علامت‌دهی هستند. او نشان می‌دهد که چگونه برخی از پدیده‌های عملی می‌توانند در چارچوب خود قرار گیرند و اشاره می‌کند که نظریه بازی‌ها ممکن است ابزار مناسبی برای بررسی احتمالات در ارتباط برقرار کردن باشد. پاریک استدلال می‌کند که شرایط گفتاری از دو جهت اهمیت دارد: ۱. الگوی نظریه اجتماعی بازی برای درک معنای سخن. ۲. تعیین اینکه کدام مفهوم راه‌حل برای استفاده مناسب است.

هدف اصلی این مقاله این بود که نشان دهد نظریه اجتماعی بازی ممکن است ابعاد جدیدی درباره مطالعه زبان به وجود آورد. عمدتاً به این دلیل که نظریه بازی‌ها نشان می‌دهد که در

مقایسه با تجزیه و تحلیل استاندارد مفاهیم کاربردشناسی، تجزیه و تحلیل رسمی استفاده از زبان در دسترس است که از طریق آن مفاهیم گسترده‌تری از نحوه استفاده از زبان را در نظر می‌گیرد.

یافته‌های این مطالعه مطابق با مطالعه نیکلاس آلوت (۲۰۰۹) است که دربرگیرنده بحث انتقادی از تجزیه و تحلیل نظریه اجتماعی بازی درباره ارتباطات است. از آنجایی که تجزیه پراشانت پاریک قدیمی‌ترین و مسلماً بهترین تجزیه و تحلیل انجام شده از این نوع است، آلوت به‌طور طبیعی بحث خود را درباره این تجزیه و تحلیل متمرکز می‌کند. آلوت استدلال می‌کند که هر تحلیلی که از نظریه اجتماعی بازی استاندارد استفاده می‌کند بر اساس برخی از فرض‌های غیرمنتظره قوی است و نشان می‌دهد که ممکن است با استفاده از چند اصول پربر و ویلسون (۱۹۸۶) درباره نظریه ارتباط تضعیف شده باشد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش نظریه بازی‌ها در پیکره مورد نظر دارای نقش‌های متعددی است که برجسته‌ترین نقش این نظریه نقش پوشش نقیضه شیوه بیان موجود در اصل گرایس و کم‌رنگ‌ترین نقش آن اصل کمیت گرایس است.

یافته‌های حاصل از این پژوهش با پژوهش رابرتس و کروز (۱۹۹۴) که در دانشگاه شهر ممفیس ایالات متحده انجام شده است، هم‌راستا است. از این جهت که طبق یافته‌های این پژوهش نیز برجسته‌ترین نقش نظریه بازی‌ها در پوشش نقیضه شیوه بیان بود.

یافته‌ها نشان می‌دهند که مردان بیشتر از زنان از نظریه بازی‌ها استفاده می‌کنند. یافته‌های این پژوهش با پژوهش آلوت (۲۰۰۹) که نشان می‌دهد مردان بیشتر از زنان از نشانگرهای فقدان ادب استفاده می‌کنند و پژوهش پاریک (۱۹۸۹) که بیان‌کننده استفاده از نظریه بازی‌ها در تعیین استراتژی است، هم‌راستا است.

علاوه بر این، یافته‌های مورد نظر بیانگر این نکته بودند که زنان از نظریه بازی‌ها بدون آگاهی از آن در نقش‌های شکایت و انتقاد با اختلاف زیادی نسبت به مردان استفاده می‌کنند. طبق پژوهش دیوز، کاپلان و وینر (۱۹۹۵) انتقاد طعنه‌دار در مقایسه با انتقاد عادی کمتر وجهه مخاطب را تهدید می‌کند. پس می‌توان نتیجه گرفت زنان به دلیل آنکه بیشتر وجهه مخاطب را

در نظر می‌گیرند و کمتر آن را تهدید می‌کنند، در مقایسه با مردان بیشتر از نظریه بازی‌ها در نقش شکایت استفاده می‌کنند.

- کاربردهای پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند از جنبه‌های مختلفی مورد استفاده قرار بگیرد. اول آنکه می‌تواند در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، در جهت تشخیص این راهبرد در فارسی و بافتی که این راهبرد در آن رخ می‌دهد و همچنین نقش آن مؤثر واقع شود. به علاوه نتایج این پژوهش می‌تواند در کمک به درک بافت‌های مکالمه‌ای و استفاده از راهبرد ادب و بی‌ادبی برای پژوهشگران این حوزه از زبان‌شناسی ثمربخش باشد.

منابع

- 1- Asher, N. and A. Lascarides (2003). *Logics of Conversation*. Cambridge University Press, Cambridge (UK).
- 2- Bacharach, M. (1993). Variable universe games. In K. Binmore, A. Kirman, and P. Tani, eds., *Frontiers of Game Theory*. MIT Press, Cambridge, MA.
- 3- Crawford, V. and J. Sobel (1982). Strategic information transmission. *Econometrica*, **50**, 1431–1451.
- 4- Ducrot, O. (1973). *La preuve et le dire*. Mame, Paris.
- 5- Ellison, G. (2000). Basins of attraction, long run equilibria, and the speed of step-by-step evolution. *Review of Economic Studies*, **67**(1), 17–45.
- 6- Farrell, J. (1988). Communication, coordination and Nash equilibrium. *Economic Letters*, **27**, 209–214.
- 7- Farrell, J. (1993). Meaning and credibility in cheap-talk games. *Games and Economic Behavior*, **5**, 514–531.
- 8- Fauconnier, G. (1975). Pragmatic scales and logical structure. *Linguistic Inquiry*, **6**, 353–375.
- 9- Frege, G. (1918). Der Gedanke: eine logische Untersuchung. *Beitrage zur Philosophie des deutschen Idealismus*, **1**, 58–77.
- 10- Gibson, R. (1992). *A Primer in Game Theory*. Harvester Wheatsheaf, Hertfordshire.
- Good, I. (1950). *Probability and the Weighing of Evidence*. Griffin, London.
- 11- Grice, H. P. (1967). Logic and conversation. In *William James Lectures*. Harvard University. Reprinted in *Studies in the Way of Words*, 1989, Harvard University Press, Cambridge, MA.

- 12- Groenendijk, J. and M. Stokhof (1984). *Studies on the Semantics of Questions and the Pragmatics of Answers*. Ph.D. thesis, University of Amsterdam.
- 13- Harsanyi, J. C. (1967-1968). Games with incomplete information played by 'bayesian' players. *Management Science*, **I to III**(14), 159–182, 320–334, 486–502.
- 14- Hirschberg, J. (1985). *A Theory of Scalar Implicatures*. Ph.D. thesis, University of Pennsylvania.
- 15- Horn, L. (1991). Given as new: When redundant affirmation isn't. *Journal of Pragmatics*, **15**, 313–336.
- 16- Horn, L. (1993). Economy and redundancy in a dualistic model of natural language. In S. Shore and M. Vilkuna, eds., 1993 Yearbook of the Linguistic Association of Finland, pp. 33–72. SKY.
- 17- Jaegher, K. (2003). A game-theoretical rationale for vagueness. *Linguistics and Philosophy*, **26**, 637–659. An Introduction to Game Theory for Linguists 81
- 18- Jaäger, G. (2004). Evolutionary Game Theory and typology: a case study. Manuscript, University of Potsdam and Stanford University.
- 19- Kandori, M., G. Mailath, and R. Rob (1993). Learning, mutation, and long-run equilibria in games. *Econometrica*, **61**, 29–56.
- 20- Kreps, D. and R. Wilson (1982). Sequential equilibrium. *Econometrica*, **50**, 863–894. Labov, W. (1972). *Sociolinguistic Patterns*. University of Pennsylvania Press, Philadelphia.
- 21- Lewis, D. (1969). *Convention*. Harvard University Press, Cambridge, MA.
- 22- Lipman, B. (2003). Language and economics. In M. Basili, N. Dimitri, and I. Gilboa, eds., *Cognitive Processes and Rationality in Economics*. Routledge, London.
- 23- Lipman, B. and D. Seppi (1995). Robust inference in communication games with partial provability. *Journal of Economic Theory*, **66**, 370–405.
- 24- Maynard Smith, J. (1982). *Evolution and the Theory of Games*. Cambridge University Press, Cambridge (UK).
- 25- Merin, A. (1999a). Die relevance der relevance: Fallstudie zur formalen semantik der englischen konjunktion *but*. Habilitationsschrift, University Stuttgart.
- 26- Merin, A. (1999b). Information, relevance, and social decision making: Some principles and results of decision-theoretic semantics. In L. Moss, J. Ginzburg, and M. de Rijke, eds., *Logic, Language, and Information*, volume 2, pp. 179–221. CSLI Publications, Stanford.
- 27- von Neumann, J. and O. Morgenstern (1944). *The Theory of Games and Economic Behavior*. Princeton University Press, Princeton.
- 28- Nowak, M. A., N. L. Komarova, and P. Niyogi (2002). Computational and evolutionary aspects of language. *Nature*, **417**, 611–617.

- 29- Parikh, P. (1991). Communication and strategic inference. *Linguistics and Philosophy*, **14**, 473–513.
- 30- Parikh, P. (1992). A game-theoretical account of implicature. In Y. Vardi, ed., *Theoretical Aspects of Rationality and Knowledge*. TARK IV, Monterey, California.
- 31- Parikh, P. (2001). *The Use of Language*. CSLI Publications, Stanford.
- 32- Parikh, R. (1994). Vagueness and utility: The semantics of common nouns. *Linguistics and Philosophy*, **17**, 521–535.
- 33- Pratt, J., H. Raiffa, and R. Schlaifer (1995). *Introduction to Statistical Decision Theory*. The MIT Press, Cambridge, MA.
- 34- Rabin, M. (1990). Communication between rational agents. *Journal of Economic Theory*, **51**, 144–170.
- van Rooij, R. (2003a). Being polite is a handicap: Towards a game theoretical analysis of polite linguistic behavior. In M. Tennenholtz, ed., *Proceedings of the 9th conference on Theoretical Aspects of Rationality and Knowledge*. ACM Press, New York.
- 35- van Rooij, R. (2003b). Questioning to resolve decision problems. *Linguistics and Philosophy*, **26**, 727–763.
- 36- van Rooij, R. (2004). Signalling games select Horn strategies. *Linguistics and Philosophy*, **27**, 493–527.
- 37- van Rooij, R. and K. Schulz (2004). Exhaustive interpretation of complex sentences. *Journal of Logic, Language and Information*, (13), 491–519.
- 38- Rubinstein, A. (1989). The electronic mail game: strategic behavior under ‘almost common knowledge.’. *American Economic Review*, **79**, 385–391.
- 39- Sally, D. (2003). Risky speech: behavioral game theory and pragmatics. *Journal of Pragmatics*, **35**, 1223–1245.
- Schelling, T. (1960). *The Strategy of Conflict*. Harvard University Press.
- 40- Selten, R. (1980). A note on evolutionarily stable strategies in asymmetric animal conflicts. *Journal of Theoretical Biology*, **84**, 93–101.
- 41- Sperber, D. and D. Wilson (1986). *Relevance. Communication and Cognition*. Basil Blackwell, Oxford.
- 42- Taylor, P. and L. Jonker (1978). Evolutionarily stable strategies and game dynamics. *Mathematical Biosciences*, **40**, 145–156.
- 43- Traum, D. R. (1994). *A Computational Theory of Grounding in Natural Language Conversation*. Ph.D. thesis, University of Rochester.
- 44- Vega-Redondo, F. (1996). *Evolution, Games, and Economic Behaviour*. Oxford University Press, Oxford.
- 45- Young, H. P. (1993). The evolution of conventions. *Econometrica*, **61**, 57–84.
- 46- Young, H. P. (1998). *Individual Strategy and Social Structure. An Evolutionary Theory of Institutions*. Princeton University Press, Princeton.

- 47- Zahavi, A. (1975). *Mate selection — a selection for a handicap*. *Journal of Theoretical Biology*, **53**, 205–213.
- 48- Zahavi, A. and A. Zahavi (1997). *The Handicap Principle. A missing piece of Darwin's puzzle*. Oxford University Press, Oxford.